



بسمه تعالی

جلسه هشتم استاد ریحانی ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

گفتیم که خانواده به اون محیطی میگن که افراد به نیاز های هم توجه میکنند. درستش هم همینه اگه غیر این باشه شما باید متوجه آسیب ها هم باشید. تعریف به این صورت هستش که خانواده جایی هستش که افراد به نیازهای هم توجه میکنند و سعی میکنند نیازهای هم را برآورده بکنند، اگر این کار رو بکنن اون خانه محیطی میشه برای رشد و شکوفایی استعدادها. هر جا که ما ببینیم غیر این اتفاق میفته یعنی افراد برای همکار نمی کنند. اینکه استعداد یکی شکوفا میشه یا نمیشه برای هم دیگه اهمیتی نداره و افراد از رشد هم دیگه خوشحال نیستن، افراد زمینه خوشحالی هم دیگه را فراهم نمی کنند. وقتی میگی محیط خانواده در هم تنیده هستش، از یک زن و شوهر شروع میشه و ارتباطات و فرزندهایی ایجاد میشه همچنین گفتیم فرزندان قوی حاصل ارتباطات قوی هستند.

حالا این ارتباط بین والدین از ارتباطات عاطفی گرفته، از ارتباطات کلامی گرفته و... اینقدر ارتباط زناشویی تنگاتنگه و در هم تنی دست که نتیجه این ارتباط میشه ما، من و تو نیست. یعنی در واقع چندین بار این مسئله رو تکرار کردم وقتی میگی زوج منظورمون دو نفر نیست یک نفر در قالب دو فرده.

پس هر جا دیدیم که من از رشد دیگری خوشحال نیستم یعنی به ذره حسادت داره قوی میشه، یعنی من خواهر نسبت به خواهر، خواهر نسبت به برادر و همسر نسبت به همسر فرقی نمیکنه این اتفاق یعنی این آسیب ها بینا بین این ارتباطات ممکنه اتفاق بیفته. ما یک مفهوم کلی گفتیم که خانواده برای هم کار میکنن و برای رشد هم تلاش میکنن این میشه یک خانواده متعالی اصلاً هم ربطی به مباحث اقتصادی نداره حتی برآورد کردیم و گفتیم خانواده هایی که به لحاظ اقتصادی متوسط هستن میزان رضایتشون از زندگی خیلی بیشتر از کسانی هست که از لحاظ رفاهی خیلی بالا هستن یا خیلی پایین هستن ولی اون متوسط ها فهمیدن کجا باید بازی کنن و نقششون چیه این تعریف خیلی ساده ای بود که از خانواده ارائه دادیم.

کارکرد خانواده رو گفتیم و گفتیم هر چیزی تو زندگی ما یک کارکردی داره. برای مثال این مداده و کارکردش نوشته، به همون میزان جنس و توانی که داره ما ازش توقع داریم نقشش رو درست ایفا کنه اگه من مداد رو گذاشتم باهاش خط کشیدم درسته برای من خط کشیده ولی همه ی کار کرده خودش رو ننوخته استفاده کنه چون من اینجا خط کش لازم داشتم خط کش باید سانتیمتر داشته باشه و دقتی که خط کش داره این مداد نداره پس خانواده باید کارکرد داشته باشه.



به تناسب کسایبی که دارن نقش ایفا میکنن و کار کرد این خانواده رو تأمین میکنن ما میایم سراغ نقش‌ها. گفتم اونجایی که ما مشکل توی خانواده داریم جایی هستش که افراد توی نقش خودشون درست ایفای نقش نمی‌کنند و اینکه هر کس در نقش دیگری میخواد نقش ایفا بکنه و نقش خودش رو رها کرده و به مفهوم دیگه‌ای رو هم گفتم بحث تمایز یافتگی. گفتم توی بحث تمایز یافتگی گلدون رو مثال دادم. گفتم مثلاً من دختر خانواده ازدواج میکنم اونجا همسر خانواده شدم ولی هنوز توی نقش دختری موندم.

بحث بعدی تفاوت نقشها گفتم نقش پدر پاسخ‌دهی به نیاز هاست. نقش پدر تمرکز ایجاد کردنه، نقش پدر جمع‌آوری عواطفه، نقش مادر پر کردن عواطفه و به همین نسبت نقش خواهر با نقش برادر و نقش پسر با نقش دختر فرق میکنه. این رو میخوام توضیح بدم که ما یک پنداره داریم و یک پنداش داریم. پنداره و پنداش تفاوتش اینه که تو پنداره یک چیزی رو تصور میکنیم یک مفهومی رو تصور میکنیم ولی هنوز تصور ما ذهنیه و هنوز رئال و واقعی نشده. وقتی اومد تو جای واقعی خودش قرار گرفت میشه پنداشت. جفتش هم ذهنی هستش ولی واقعیت تو پنداشت بیشتره. مثلاً شما میگید وای خانم شما چقدر مهربونی و شما این تصور رو به من میدید که من خیلی آدم مهربونی هستم اما من وقتی بر میگردم به خودم میبینم نه من اینجا خیلی هم سرسخت بودم، به اتفاق مهم افتاد ولی اصلاً انگار به من بر نخورد. یعنی تست شد. وقتی رو خودم تست شد متوجه شدم نه من اونجوری هم که دیگران دارن به من میگن مهربان نیستم.

هر دو مهمه منتها ما برای اینکه بخوایم آسیب‌ها رو بشناسیم تا بتونیم حل کنیم باید بتونیم این پنداره و پنداشت رو به هم نزدیک کنیم. به وقت پنداره و پنداشت ما خیلی تفاوت میکنه. اصلاً من نمی‌رم سراغ تستش که بینم این واقعی هست یا نه فقط تصورات دیگرانه. ببینید بعضی مواقع ما هستیم که پنداره بچه‌ها رو تخریب میکنیم مثلاً میگیم آخه گناه داره، حیوونی و... ببینید اینا هی پنداره‌هایی هستش که ما داریم به بچه‌ها میدیم.

مثلاً من دختر این خانواده هستم ازدواج کردم ولی هنوز تو این مفهوم‌هایی که به من القا میشه گیر کردم مثلاً من میخوام برم میگم مامان الان شوهرم میاد مامان میگه خیلی خب حالا میری مثلاً غذا تو بخور برو اون پنداشتی که من باید برم تو نقشه همسری خودم اینجا داره تضعیف میشه با پنداره‌ای که مادر داره به من میده.

پایان مبحث

جلسه هشتم استاد ریحانی

۱۴۰۳/۲/۱۸